

باسمه تعالی - درس ۱۱ فلسفه مابین زحم محمدی : سید مرتضی

۱- یکی از اقسام فلسفه (ی مضاف) « فلسفه اخلاق » است که در باره ی اخلاقی بودن انسان، ریشه ی اخلاق و بهر سس های بنیادین و اساسی (در مورد اخلاق می پردازد). (بالای صفحه ۸۲ منتهی به منتهی از این بخش از مواد آمده است.)
۲- این سخن با معنوم (اخلاق) آشناست و می تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند. که همین مسأله یکی از وجود نماز انسان از سایر موجودات است که تعریف از انسان بر اساس اخلاقی بودن : انسان موجودی است اخلاقی که خوبی و بدی را درک می کند و کارهای نیک را در انجام آن می پردازد.

۱- فعل طبیعی : کاری که انسان آنرا برای رفع نیازهای خود انجام می دهد مانند خوردن و آشامیدن و خوابیدن و ...
۲- فعل اخلاقی : کارهایی که مورد ستایش (خوبی) و سرزنش (بدی) قرار می گیرند مانند کمک به نیازمندان، گذشتن، ایثار، وفاداری، مبارزه با ظلم و نا برابری ...
✓ معیار فعل اخلاقی چیست؟

(الف) دیدگاه فیلسوفان دوره نرومان باستان :

✓ افلاطون : فعل اخلاقی
→ با سعادت و نیکبختی حقیقی انسان را برقرار دارد.
→ اگر در جهت سعادت حقیقی باشد → فضیلت و خوبی محسوب می گردد.
→ اگر در جهت شقاوت باشد → رذیلت و بدی محسوب می گردد.

+ سوال : در چه صورتی نیک عمل در جهت سعادت است؟

مقدمه یا منبع افلاطون : در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند
۱- قوه شهوت (انسان را به سوی لذت و امیال فراموش می خواند)
۲- قوه غضب (انسان را در برابر خطر و موانع، به ایستادگی و نبرد می خواند)
۳- قوه عقل (انسان با آن خوب و بد را تشخیص می دهد و سعادت و شقاوت را شناسایی می کند)

پاسخ افلاطون : اگر عمل انسان، بنا بر فرمان و راهنمایی عقل باشد در جهت سعادت است.
(یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند)

+ قوه ی محاکم : عقل در این فضیلت حکمت
→ شهوت → خوشبینی دارد
→ غضب → شجاعت
→ عدالت میان سه قوه عقل و شهوت و غضب در تمام شخصیت انسان

+ انسان نیکبخت و سعادتمند : انسان آراسته به چهار فضیلت حکمت، خوشبینی، شجاعت، عدالت
+ معیار نیکبختی و سعادت، میان همه ی انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.

کارسطو : اگر عقل بر دیگر قوا (گهت و غضب) محاکم شود به انسان به اعتدال قوا می رسد یعنی اعتدال عادل معاد و نسبت نفسی انسان

گهت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند (زیاده روی - کم کاری)

عقل به دو شرط می تواند مانع افراط و تفریط گهت و غضب شود - ۱- روشد کرده باشد و خودش نیز در افراط و تفریط نشود - ۲- دست یابد (جای از معرفت)

معیار سعادت و نیک بختی ، میان عدل انسان در مرتکبات و عدل انسان این اعتدال را درک می کند

(ب) دیدگاه فیلسوفان دوره جدید اروپا :

کانت : معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی » جستجو کرد

هر انسان در درون خود، حقیقتی به نام « وجدان اخلاقی » دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند

خیر اخلاقی : هر کاری که انسان آن را فقط برای اطاعت از بهمان انجام دهد و هیچ گونه هدف و نفع شخصی در آن نداشته باشد

انجام واجبات عدل : برای تسوق دیگران فضیلت کرده نمی شود بلکه فقط برای عدل است و جدا باشد و فضیلت کرده می شود

۱) « بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که آن قاعده ، قانون کلی و عمومی شود » (یعنی به شکلی رفتار کنید که اگر دیگران هم آن کار را انجام دهند شما تحسین و ناسپد کنید)

۲) دو چیز مراه شکفتی و امی دارد : آسانی که با پای سر ما است - (این جمله کانت کمتر شناخته شده است) و جدایی که در درون ما است

فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عجم : ریشه ای فعل اخلاقی را در (هم) رفتار طبیعی انسان محبت و صوم می کنند

کسانی که نه روحی و معنوی انسان (قبول ندارد) انسان ها ، مانند سایر موجودات ، هر کاری را برای منافع طبیعی خود (نیم) می (دهد) (کنند و وقت می (هم))

انسان زندگی اجتماعی دارد پس باید منافع دیگران را رعایت کند پس بر نفع او در گرفتن آن است در صورت رعایت نکردن ، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود پس انسان قواعد اخلاقی را ابداع کرد

اولین قانون اخلاقی : در آنچه برای خود می پسندید برای دیگران هم پسندید و در این صورت است که می توانی با دیگران زندگی کنی

کامورا اخلاقی : ارزش حقیقی ندارد و فضیلت مشروطه نمی شوند مانند صداقت ، ایثار ، امانت (اری) ... برای زندگی اجتماعی ضروری و لازم هستند چون منفعت افراد در رعایت آن است

توایس ها نیز : هرگاه انسان بخواند در برابر دیگران آزادی زمان داشته باشد ، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او هم انسانان آزادی دارند

(ب) ردِّ گناه فلیوفان ملای :

کابن سینا و دیگر فلیوفان ملای ← ردِّ گناه نزدیک به افلوطون و ارسطو

عقل ← منبع شناخت فضایل و رذایل

از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را شخص می دهد عقل عملی می نامند
 که فضایل را کمالی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود مانند آب و غذا برای جسم

حیران می ← فطرتاً فایز را دوست دارد و از رذایل اخذ نمی کند زیرا آن است که بر روح مبدی می رسد
 که به دنبال کسب فضایل است که در نتیجه احساس نشاط و لذت
 رسیدن به رضایت درونی

۱- داشته نماید انسان ← ۱- مربوط به بُعد مادی و حیوانی مانند تمایل به خوردن و لذت مادی

۲- مربوط به بُعد روحی و معنوی مانند تمایل به عدالت، شجاعت و ...

کاملت انجام رذایل اخذ نمی : قوی تر بودن و پیروزی نماید حیوانی و مادی در زندگی و
 بهم رسیدن و قضاوت نماید روحی و معنوی

پشتوان لازم در کنار عدل ذاتی و فطری به فضائل و بیزاری ذاتی و فطری از رذایل

جهت ترجیح و پیروزی نماید معنوی و روحی بر نماید مادی و حیوانی : مشدداً و اعتقاد به او
 (کسب فضیلت و ترک رذیلت)

+ سوال : خداوند متعال چگونه می تواند پشتوانه ای لازم برای کسب فضیلت و ترک رذیلت در انسان بخورد ؟

پاسخ : خداوند سبحان با سه ترغیب و توفیق برای کسب فضائل و تعیین پاداش

← عامل و باعث تقویت میل به فضایل در انسان می شود

کے منع دهنی از رذایل و تعیین مجازات

+ سوال : آیا با اعتقاد به خدا و حقن، عمل به فضیلت حتی و قطعی می شود ؟ چرا ؟

پاسخ : خیر، زیرا در صورت انسان موجودی مختار و باکمال قوی و ندمه است و ممکن است برای رسیدن
 به آن نماید، از فرمان خدا هم سرپیچی نماید.

فضائل : ج فضیلت، خوبی ها، برتری ها مانند عدل، احسان، ایثار و شجاعت و ...
 رذائل : ج رذیلت، بدی ها، پستی ها مانند ظلم، کج، عریا، دروغ، همت و ...